



وهابیها مشرکند، زیرا می گویند خداوند دارای جسم است

در همه ادیان الهی - خصوصا اسلام - توحید مهمترین اصل است...

در همه ادیان الهی - خصوصا اسلام - توحید مهمترین اصل است. خداوند متعال، پیامبران را برانگیخت و سرلوحه دعوت آنان را تبلیغ یکتاپرستی و تبیین توحید قرارداد. این اصل، در قرآن و سنت پیامبر (ص) به روشنی تبیین شده است و هر مسلمانی باید، توحید را از این منابع زلال بگیرد تا در اعتقادات و اندیشه های وهابیون نشان می دهد که آنان در این اصل اساسی به کلی از قرآن و سنت دور افتاده اند و خدا را با اوصافی که محکمت قرآن و سنت معرفی می کند [1] قبول ندارند.

به اعتقاد آنان، خداوند در بالای عرش و یا در آسمان، محدود و محاط بوده و محتاج به مکان است [2] ابن تیمیة، رهبر وهابیها، در کتابهایش به این اعتقادات اعتراف نموده و به آیات متشابه قرآن و احادیثی مجعول متوسل گشته و از محکمت قرآن و احادیث قطعی نبوی چشمپوشی کرده است.

او در اثبات عقایدش به این حدیث متوسل شده است که می گوید: خدا هر شب و یا آخر هر شب از عرش به زمین فرود می آید و صبح آن شب، به عرش برمی گردد [3] در حالی که شب در زمین دائمی است، یعنی هر لحظه، مکانی در حال شب شدن و مکانی در حال صبح شدن است و همیشه نصف کره زمین شب است و قسمتی از کره زمین، ثلث آخر شب است.

اگر خدا محدود و محاط در عرش باشد و برای یک بار هم به زمین فرود بیاید دیگر برای همیشه در زمین باقی می ماند چون شب و ثلث آخر شب در زمین تا قیامت برقرار است.

و لحظه ای نیست که شب یا ثلث آخر شب در کره زمین تمام شود و نباشد در نتیجه این حدیث، خودش را تکذیب می کند، زیرا ممکن نیست خداوند هر شب به زمین بیاید و صبح آن شب به عرش برگردد و اگر مقصود این است که خداوند یکبار به زمین می آید و دیگر به عرش برنمی گردد و یا اینکه لااقل تا قیامت برنمی گردد، باز هم عرش از وجود خدا خالی می گردد.

در حالی که به اعتقاد وهابیها، خدا در عرش است به هر حال، ابن تیمیة و پیروانش در کتاب خود به این عقیده که از آن یهودیان درخداشناسی است، اعتراف و افتخار می کند و این شاید عجیب نباشد.

چون آنها یهودیان را موحد می دانند و ذبیحه (قربانی) آنها را حلال می دانند [4].

آنان به قدری به انحراف عقیده دچار گشته اند که حتی برای اثبات اعتقادات فرعون تمسک می جویند (به این صورت که می گویند: از آنجا که فرعون معتقد بود که خدای موسی در آسمان است و لذا به وزیرش هامان دستور داد چیزی برای بسازد تا بتواند به آسمان برود و خدای موسی را در آنجا ببیند.

پس خدا در عرش است اگر کسی بگوید خدا همچون انسان است، یعنی محدود و محتاج به مکان است، به شهادت آیات محکمت قرآن، کافر است.

جریری در کتاب خود به نام الفقه علی المذاهب الاربعه اعتقاد به جسمیت خداوند و آنچه را مستلزم اعتقاد به تجسم باشد موجب کفر و معتقد به آن را کافر و مشرک می داند البته عجیب این است که ابن تیمیة خودش می گوید: اعتقاد به اینکه خداوند جسم دارد موجب ارتداد نمی شود، زیرا قرآن و سنت و ائمه مذاهب نگفته اند که خداوند جسم نیست سرانجام همین نظرات [5] مشرکانه وی درباره خدا و انکارش نسبت به مقام رسول الله باعث شد که به حکم قضات حنفی، مالکی و شافعی دستگیر گردید و در زندان محبوس گشت تا مرد، در حکمی که درباره او از طرف سلطان مسلمین صادر شده آمده است: وکان الشقی ابن تیمیة فی هذه المدة قد بسط لسان قلمه، و مد عنان کلمه، ونص فی کلامه علی امور ومنکرات، واتی فی ذلک بما انکره ائمة الاسلام، و انعقد علی خلافه اجماع العلماء الاعلام، وخالف فی ذلک علماء عصره وفقهاء شامه ومصره، وعلما انه استخف قومه فاطاعوه، حتی اتصل بنا انهم صرحوا فی حق الله بالتجسیم...

[1] از جمله در قرآن، درباره خداوند آمده است: (هو معکم اینما کنتم) سوره حدید، آیه 4.

(کان الله بکل شیء محیطا) سوره نساء، آیه 126). (اقرب الیه من حبل الوريد) سوره ق، آیه 16.

[2] از کتابهایی که در آنها به این عقاید تصریح شده عبارت است از رساله العقیده الحمویة، رساله العقیده الواسطیة، الفتاوی الکبری و منهاج السنة تالیف ابن تیمیة.

[3] کتاب مجموعه الرسائل لابن تیمیة - در رساله الوصیة الکبری و کتاب الصواعق المرسله ابن قیم.

[4] رک. الفتاوی الکبری از ابن تیمیة، ج 2، ص 180، چاپ بیروت.

[5] الدرر الكامنه لابن حجر عسقلانی عن القاضي المالکی قال فقد ثبت کفر ابن تیمیة.